

# تقریظ و مقدمه نویسی:

## نتیجه‌ی آگاهی انسان

### ۱- درآمدی بر تقریظ نویسی

سنت نگارش تقریظ و مقدمه‌نویسی بر کتاب‌های دیگران، یکی از خدمات ارزشمندی است که دست اندرکاران عرصه‌ی دانش و ادب و فرهنگ و هنر در طول تاریخ بدان اقدام و اهتمام کرده‌اند. برای نمونه، مقدمه‌های کهن و تازه بر شاهنامه‌ی حکیم ابوالقاسم فردوسی یا مقدمه‌ی محمد گل‌اندام بر دیوان حافظ را باید نوعی تقریظ شمرد. در عصر ما استادان و دانشمندان نامداری هم‌چون زنده‌یادان استاد سعید نفیسی و آیت‌الله سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی تقریظ‌های فراوانی بر کتاب‌های دیگران نوشته‌اند.

### ۲- تقریظ‌های من

من نیز به طوری که در مقدمه‌ی نقش نفیس هم نوشته‌ام، در نوشتن تقریظ و مقدمه بر کتاب‌های دیگران، بخل و صنتی به ظهور نرسانده‌ام، چنان‌که در طول چهل و چند ساله‌ی اخیر بر بیش از یکصد و چهل کتاب، تقریظ و مقدمه نوشته‌ام و از آن جمله از بین طبقه‌ی قضات و حقوقدانان، مقدمه و تقریظی بر کتاب گذران عمر (خاطرات چهل سال خدمت قضایی) به قلم استاد حسین شهسوارانی (معاون اسبق وزارت دادگستری)، از بین طبقه‌ی امیران ارتش، تقریظ و موخره‌ی بر کتاب انسان و هستی تألیف سرلشکر ناصر فرید (رییس اسبق ستاد ارتش)، از میان روحانیون، تقریظی بر مجلد سوم یادداشت‌های مرحوم حجت الاسلام حاج شیخ علی مهاجرانی واعظ، از بین طبقه‌ی رجال سیاسی و ادبی، مقدمه‌ی بر مجموعه‌ی مقالات دکتر نصرت‌الله کاسمی (وزیر مشاور و دبیر کل حزب ملیون)، از بین نویسندگان پیشکسوت مقدمه‌ی بر کتاب شاعران در سنگر مطبوعات اثر مرحوم احمد نیکوهمت و از میان شاعران بزرگ کلاسیک مقدمه‌هایی بر کلیات سعدی، دیوان حافظ، ساقی‌نامه‌ی رضی‌الدین آرتیمانی، شواهد النبوه جامی و... نوشته‌ام.

در همین سال گذشته هم، بیش از بیست کتاب با تقریظ و مقدمه‌ی من چاپ شد. که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

۱- رساله‌ی منظوم و منثور عشق و محبت اثر مولانا رشیدالدین محمد بیدوازی (از عرفا و شعرای قرن نهم)، به تصحیح

و تحقیق احمد شاهد، از انتشارات آستون که مقدمه‌ی بسیار مفصل من، پنجاه صفحه‌ی آغازین آن کتاب را در برمی‌گیرد.

۲- دانشنامه‌ی تاریخ جهان، ترجمه‌ی دکتر محمود زنجانی، مجلد اول از انتشارات دایرة‌المعارف ایران‌شناسی که مقدمه‌ی من بر آن شامل بیست صفحه‌ی کامل به قطع رحلی است.

۳- دانشنامه‌ی تاریخ جهان، جلد دوم که مقدمه‌ی من بر آن شامل ده صفحه‌ی کامل به قطع رحلی است.

۴- کلیات کامل اشعار سعدی، با عروض و اعراب کامل به کوشش فضل‌الله دروش، از انتشارات نگاه که مقدمه‌ی من بر آن مطول‌ترین مقدمه و تقریظ چاپ شده در آن کتاب است.

۵- جواهرالاسرار، تألیف شیخ آذری اسفراینی مشهور به آذری طوسی (از مشاهیر عارفان و شاعران قرن نهم)، به تصحیح و تحقیق احمد شاهد

۶- شش گفتار درباره‌ی مانایی و هنر ایران زمین، تألیف دکتر محمدصادق محفوظی، دکتر محمدتقی هاشمیان و دکتر مصطفی رستمی

۷- مجموعه‌ی مقالات دکتر نصرت‌الله کاسمی

۸- اشعار مذهبی دکتر کاسمی

۹- ایستاده در باران، دفتر شعر عبدالرضا جلیلیان

۱۰- تولد ایمان، دفتر شعر رضا مرادی که مقدمه‌ی من بر آن شامل هیجده صفحه به قطع رقی است.

۱۱- سیلاب، دفتر شعر بتول مؤمن

۱۲- نقش نفیس، دفتر شعر جلال مهدیانی

۱۳- سه پلک تا صبح، دفتر شعر حشمت‌الله خداداد کرمانشاهی

۱۴- کوچه‌ی بی‌عبور دلتنگی، یادنامه‌ی هنری علی‌اکبر کهریابی

۱۵- با یاد یاران، به کوشش ابراهیم حقی بستان‌آبادی

۱۶- جلد دوم یادگار عمر به قلم قاسم قادری ورکانی به تازگی با کاغذی نفیس‌تر و طرح جلدی بهتر به اهتمام ناصر نجم‌الدینی سیاهکلی به چاپ دوم رسیده است. این کتاب در فصل هفتم، به رسم تقریظ نویسی شامل چند اظهارنظر از ارباب قلم و شعر و ادب است

که نخستین آن‌ها به قلم من و دومین آن‌ها به قلم استاد ادیب برومند (صفحات ۱۸۷ تا ۱۹۰) است.

### ۳- متن یک تقریظ

بسیاری از تقریظ‌ها و مقدمه‌های من شامل مطالبی است که محدود و منحصر به یک کتاب نمی‌شود، به همین دلیل، بعضی دوستان پیشنهاد کرده‌اند که بعضی از آن‌ها را به صورت مقاله‌های منفرد در مجله چاپ کنم و بعد هم همه‌ی آن‌ها را در قالب «جامع المقدمات امین» به چاپ برسانم. علی‌العجالة، تقریظ و مقدمه‌ی خود را بر مجله‌ی یادگار عمر در این‌جا نقل می‌کنم:

«نتیجه‌ی آگاهی انسان به پایان‌پذیری عمر

... از من خواستند مطلبی کوتاه به عنوان تقریظ بر این اثر ارزشمند فرهنگی بنویسم. نکول نکردم و انگشت قبول بر دیده نهادم چرا که:

اولاً، بماند سال‌ها این نظم و ترتیب / ز ما هر ذره‌ی افتاده جایی. یعنی در مرحله‌ی نخست نگارش هر مطلبی - صرف‌نظر از موضوع آن - نشانه‌ی از وجود منشی و نگارنده‌ی آن و مبقی اوست. انسان تنها موجودی است که می‌داند عمر او دیر یا زود فناپذیر است و به همین دلیل هر کس به هر نوعی دوست می‌دارد آثاری از خود برجای بگذارد و یادگاری از او در دنیا بماند. در تحلیل نهایی فیلسوفانه، هدف غایی از تمامی کارهای بزرگ در همه‌ی زمینه‌ها آن است که صدقه‌ی جاریه و نامی نیک از بانی، موسس، مخترع و مکتشف برجای بماند و این‌ها، همه نتیجه‌ی آگاهی انسان به پایان‌پذیری عمر اوست. من نیز البته مستثنی از این اصل نیستم. در تحلیل نهایی که قلم را بر کاغذ می‌گذارم، می‌خواهم اثری از من بماند.

ثانیاً، هر کس که بتواند خواهش و درخواست دوست و آشنایی را آن هم در مشارکت در امر خیری برآورد و از آن دریغ بورزد، فرد دنی‌الطبع و حقیری است. اگر به ثروتمندی که می‌تواند نخودی در آشی بیندازد، مراجعه کردند و گفتند: شما هم به کار خیر، کمکی کنید و آن کس با توانستن، بخل ورزید و امساک کرد، کار خوبی انجام نداده است. لذا، اگر در فرهنگ ما بزرگانی چون استاد سعید نفیسی با سعه‌ی صدر و نهایت کرامت، بر دفتر و دیوان و مجموعه‌ی شعر و قصه‌ی هر نوآوری در بازار ادب، تقریظی نوشته‌اند، آن را باید به سماحت و کرامت ایشان حمل کرد، نه بر سادگی یا خوش‌باوری آنان. ثالثاً، آن‌چه من از موسس و مدیر ارجمند خانه‌ی سالمندان فاطمی‌ی حصار کرج می‌دانم، همه شایسته تقدیر و قدردانی است.

زیرا این وجود ذی‌جود از این رهگذر به خدمت‌های اجتماعی و مددکاری و انسان‌یاری دست یازیده و کاری کارستان به سامان رسانده است. اگر هر کس در حوزه‌ی فعالیت حرفه‌ی خویش همانند این سالمند توانمند، موفق باشد، ما جامعه‌ی سالم، تندرست و قابل رشد خواهیم داشت که انسان در آن از امنیت خاطر و تامین کافی برخوردار خواهد بود. اصل و ریشه بسیاری از مفاسد اجتماعی و آسیب‌های جامعه ما در نبود یا کمبود «امنیت خاطر» است. این است که از قدیم گفته‌اند: «خاطر امن به ملک دو جهان می‌آرزد».

هنگامی که امنیت خاطر و تامین شغلی و اجتماعی وجود داشته باشد، افراد در مقام اعضای قانون‌پذیر جامعه می‌توانند برنامه‌ریزی صحیحی برای دوران‌های مختلف زندگی خویش و مخصوصاً دوره‌ی بازنشستگی و سالمندی خود داشته باشند، سرمایه‌گذاری کنند، به آینده‌نگری بپردازند و به فکر سود آنی نباشند یا از کشور به بیرون مهاجرت نکنند. بنابراین، وجود مراکز ارزشمند هم‌چون موسسه‌های پذیرش و پذیرایی سالمندان برای جامعه‌ی که بر اثر مهاجرت نسل جوان به خارج از کشور و گسستگی نهاد دیرپای خانواده، سالمندان آن امید چندانی به این‌که نوه‌ها دور و برشان بمانند و به ایشان خدمت کنند، ندارند، نهاد ارزشمند و قابل تقدیری است. رابعاً، آن‌چه مرا به موسس خانه‌ی سالمندان فاطمی‌ی حصار کرج بیش‌تر علاقه‌مند کرده، علاقه‌ی این شخص محترم به شعر و ادب است و چون شعر، هنر ملی ماست و ایشان هم پیش از این تألیفاتی هم‌چون یادگار عمر داشته است، باید امیدوار بود که خود او یا دوستان شایسته و فرهنگ‌ور وی امثال جناب آقای ناصر نجم‌الدینی سیاهکلی به گردآوری اشعار او و چاپ مجموعه‌ی شعرش اقدام کنند که بهترین اثر جاودان ما فارسی‌زبانان شعر و شاعری است.

با آرزوهای خوب برای تمام ایرانیان

ح. ا. ■

### جلد دوم دانشنامه‌ی تاریخ جهان

مربوط به حوادث مهم جهان از رنسانس تا انقلاب

کبیر فرانسه و ناپلئون (از ۱۵۰۲ تا ۱۸۰۱ میلادی)

ترجمه‌ی دکتر محمود زنجانی منتشر شد.

ناشر: انتشارات دایرةالمعارف ایران‌شناسی

تهران - ناطق انقلاب و فلسطین - ساختمان مهر - پلاک ۳۱۲